

# پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صص ۱۵۹-۱۸۱ (مقاله پژوهشی)

No. 39, Autumn & Winter 2019/2020

## الگوی مدیریتی در سیروه حضرت نوح (ع)

محمد رضا شیری<sup>۱</sup>، سعید قاسمی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۴ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۱۸)

### چکیده

حضرت نوح (ع) اولین پیغمبر اولو العزم است که خدای عزوجل او را با کتاب و شریعت فرستاده است، بنابراین، کتاب او اولین کتاب آسمانی است. آن جناب نه صد و پنجاه سال مشغول دعوت قوم خود بوده، ولی قوم او جز به استهزا و نسبت جنون به او دادن عکس‌العملی از خود نشان ندادند تا آنکه در آخر از پروردگار خود یاری طلبید. نوح پس از امر الهی و با تائید و تسدید خداوند، مشغول ساخت کشتی شد و پس از اتمام، امر خدای تعالی مبنی بر تزویل عذاب و طوفان سهمگین صادر شد و به جز افرادی که مقدر شده بود، همگی هلاک شدند. این ماجراهی که بسیار ساده به نظر می‌رسد آیات زیادی از قرآن را به خود اختصاص داده و ویزگی‌هایی دارد که در سرگذشت انبیاء دیگر بهمندرت یافت می‌شود. در این پژوهش سؤال این بوده که الگوی مدیریتی حضرت نوح (ع) چه بوده است؟ این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تفسیری با اجتهاد نوع دوم انجام شده و برای تحلیل داده‌ها از روش داده بنیاد استفاده شده است. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و رسانه‌ها و در نهایت، سه قضیه به عنوان الگوی متعالی مدیریتی حضرت نوح (ع) احصاء شده است.

کلید واژه‌ها: مدیریت، مدیریت اسلامی، حضرت نوح (ع)، الگوی مدیریتی، سیره.

۱. مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری مدیریت آینده پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، (نویسنده مسئول مشترک)، publicemail1392@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، (نویسنده مسئول مشترک)

## مقدمه

در بحث مربوط به مدیریت گاهی مدیریت را به مفهوم خاص مدیریت سازمان‌ها که امروز در کتب مربوط به مدیریت مطرح است گرفته‌اند و گاهی به مفهوم عام آن‌که شامل رهبری و هدایت در هر سطح و برای هر مجموعه‌ای از انسان‌ها می‌گردد. درباره مدیریت، تعریفی که مورد قبول عام باشد، در دست نیست. صاحب‌نظران و مؤلفان مدیریت با هدف‌ها و سوگیری‌های مختلف، تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند. مدیر در لغت به معنای «دوردهنده، گرداننده و اداره کننده» است. (حسینی دشتی، ۲۴۷) در تعریف «مدیریت» نیز چنین آمده «فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد.» (رضائیان، ۱۳۸۹)

در اسلام مدیریت و رهبری به عنوان یک اصل ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای ادامه حیات انسان به حساب آمده است. قرآن و احادیث و روایات اسلامی، رهبری را در دو جهت الهی و شیطانی مورد بحث قرار داده‌اند و سرنوشت انسان را با میزان اطاعت از رهبرانی که آن‌ها را بهسوی حق و حقیقت دعوت کرده‌اند و یا آنان را بهسوی دوزخ و شقاوت می‌خوانند وابسته می‌دانند. برای نشان دادن اهمیت رهبری و مدیریت از نظر اسلام به آیاتی از قرآن کریم اشاره می‌گردد:

در قرآن مجید این چنین آمده: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا؛ وَ كَارِ [بَنْدَگَان] رَا تدبیر می‌کنند» (النازعات، ۱) خداوند در این آیه به فرشتگان اداره کننده کارها سوگند یاد می‌کند، خداوند خود نیز مدیر است همان‌طور که در دعای جوشن کبیر بند ۲۵ آمده است. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مَصَوْرِكَ مُقَدَّرٌ يَا مُدَبِّرٌ... «خدایا از تو درخواست می‌کنم بنام تو ای صورت آفرین، ای تدبیر کننده، ای تدبیرکننده...» بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اولاً تدبیر یکی از خصوصیات احادیث است ثانیاً آن قدر این امر مهم است که خداوند به تدبیر کنندگان سوگند

یاد می‌کند. و تدبیر در امر یعنی به عاقبت کار نگاه کردن، معنی لغوی تدبیر پشت سر گذاشتن چیزی است. همچنین خداوند اولین انسانی را که خلق نمود به عنوان خلیفه خود در روی زمین قرار داد و به عبارت دیگر رهبری و هدایت آنقدر مهم است که قبل از شروع زندگی بشر در زمین، خداوند حضرت آدم را به عنوان خلیفه‌الله که به صورت رهبر و حجت خدا و پیغمبر است می‌فرستد در حالی که مسیر عادی تکامل ایجاد می‌کرد که گروهی از انسان‌ها بیایند و پس از طی مراحل ترقی و تکامل، از میان آن‌ها یکی به مرحله نبوت و پیغمبری برسد.

### بیان مسئله، اهمیت و ضرورت

حضرت نوح (ع) اولین پیامبر اولوالعزم است که رسالت جهانی و کتاب و شریعت داشت و علیه شرک و بتپرستی قیام کرد و چون نسل بشر پس از غرق شدن کفار، همه از حضرت نوح و همراهان اوست، لذا او را پدر دوم گفته‌اند و چون عمرش از همه‌ی پیامبران بیشتر بوده است، او را «شيخ الانبياء» خوانده‌اند. نسب حضرت نوح (ع) به این شرح ذکر شده است: نوح (ع) بن لامک بن متولخ بن أخنوخ - و هو إدريس (ع) - بن يارد بن مهلائيل بن قینان بن أنشیش بن شیث بن آدم. (بلاذری، ۳/۱) داستان حضرت نوح (ع) در ۶ سوره از قرآن کریم آمده است، اعراف، هود، مؤمنون، شعرا، قمر، نوح که مفصل‌ترین آن‌ها در همین سوره (هود) است. با اینکه نام حضرت نوح (ع) ۴۰ مرتبه در قرآن آمده، اما از محل تولد، مسکن، شغل، وفات و محل دفن او چیزی نیامده است. زیرا آنچه برای ما درس و بهره است، همان رفتار و برخوردهای اوست. مدت رسالت آن حضرت، ۹۵۰ سال بوده است، وقتی در پایان، خداوند به او فرمود: کسی به رسالت تو ایمان نخواهد آورد، مأیوس شد و نفرین کرد و در نتیجه، حتی زن و فرزندش که در راه او نبودند، به همراه کفار غرق شدند. در نگاه به مدیریت متعالی، مدیریت پیامبر گرامی اسلام (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و چندی از ائمه و پیامبران دیگر مورد بررسی قرار گرفته، اما توجه کمتری به اصول متعالی

در مدیریت حضرت نوح (ع) شده تا جایی که حتی نقدهای غیرعلمی به مدیریت این پیامبر عظیم الشان شده است. یکی از مواردی که در خصوص حضرت نوح (ع) مطرح است این است که توسط ایشان حکومتی تشکیل نشده که بتوان اصول مدیریتی متعالی را از آن استخراج کرد. این پژوهش با توجه به اینکه حضرت نوح (ع) رسالتی از جانب خداوند متعال بر عهده داشتند و مردم زمان بسیار در هدایت، سخت بودند به دنبال آن است که شیوه‌های مدیریتی این بزرگوار در راه رسیدن به رسالت خویش را احصاء نماید. در واقع هدف این پژوهش این است که لایه‌های متعالی مدیریتی حضرت نوح (ع) مورد بررسی قرار گیرد.

### **روش‌شناسی، سؤالات و اهداف**

ملک دستیابی به فهم صحیح در سیره پیامبران، به کارگیری قرآن، نقل و عقل است یعنی یکی از مراجع مهم آن، در درجه اول، قرآن کریم و پس از آن روایات مucchomien (ع) است. بهترین روش استفاده از این‌گونه متون در پژوهش، روش تفسیری خواهد بود و دیگر روش‌ها فاقد راهکار کامل‌تری برای مراجعته به متون مقدس هستند. لذا این مقاله با رویکرد کیفی و به روش تفسیری تحلیلی (استنباطی حکمی) نگاشته شده که در آن اجتهاد از نوع دوم انجام شده است. مهم‌ترین اصل در این روش این ادعاست که متن، امری بالقوه و در انتظار خواننده‌ای است تا آن را به فضیلت برساند یا به تعبیر دیگر متن آنکه از خلاهایی است که خواننده باید آن را پر کند از این‌رو متن بدون خواننده‌ای که این خلاه‌ها را پر کند غیرقابل فهم می‌ماند (قائمه‌نیا، ۱۷۲). در حقیقت در روش تفسیری مناسب تخصص و نیاز خواننده پیام و مفهوم متن برانگیخته می‌شود و این یعنی هر متن مکتوبی از دیگر انواع تعبیر به علت پیچیدگی بیش از حدش جدا می‌شود و این پیچیدگی نه به خاطر چیزهایی است که متن گفته است بلکه بیشتر به خاطر چیزهایی است که متن نگفته است. (همانجا، ۱۷۳) به تعبیر دیگر هر متنی بخشی آشکار و بخشی پنهان دارد، بخش ظاهری همان چیزهایی است که متن گفته است اما بخش پنهان به اصطلاحی اطلاق می‌شود که

خواننده می‌تواند بر اساس دانسته‌های خودش از متن به دست بیاورد. بخش پنهان متن همواره وسیع‌تر از بخش آشکار و پیدای آن است. (همانجا، ۱۷۹) اما تفسیر را مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان «تفسیر کشف مراد از لفظ مشکل می‌داند» (قائمه‌نیا، ۱۸۲).

روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع علمی اعم از کتب، مقالات و رسانه‌های گروهی است که از روش مصاحبه نیز برای به دست آوردن روایی و پایایی استفاده خواهد شد. لازم است مصاحبه شوندگان در این پژوهش جامع ویژگی‌های تخصصی مربوط باشند. فردی که مورد مصاحبه واقع می‌شود باید در حوزه‌های قرآن، تاریخ انبیاء و علم مدیریت تخصص مورد نیاز را داشته باشد.

برای تحلیل داده‌ها نیز از روش داده بنیاد بهره‌برداری خواهد شد. متغیر مستقل پژوهش، «مدیریت» است که در «سیره حضرت نوح (ع)» که متغیر وابسته است مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هدف اصلی استخراج سبک مدیریتی حضرت نوح (ع) بوده و در واقع به سؤال اصلی ذیل باید پاسخ داده شود که: شیوه‌های مدیریتی حضرت نوح (ع) در اجرای رسالت خود، چه بوده است؟

### روش‌شناسی مدیریت در سیره حضرت نوح (ع)

پیش‌فرض‌های علوم مدیریت رایج غالباً همان پیش‌فرض‌های ارزشی و فرهنگی جامعه غرب است. مدیریت در سیره حضرت نوح (ع) با مبنای قرار دادن ارزش‌های وحیانی، بعد هنجاری را در روش‌شناسی برجسته و ضروری جلوه می‌دهد.

ریشه‌ی چندگونگی جهان‌بینی‌ها و جهان‌شناسی‌ها را باید در شناخت‌شناسی‌ها یا آنچه امروزه نظریه معرفت و یا شناخت نامیده می‌شود جستجو کرد. یکی می‌گوید جهان را از طریق عقل باید شناخت، دیگری می‌گوید از راه حواس و سومی می‌گوید از راه ترکیه نفس، اشراق و الهام. (مقیمی، ۸۱) به اعتقاد علاوه قطب‌الدین شیرازی، علم و معرفت صفتی است که نفس بدان متصف شده و ملکه‌ای می‌شود که به واسطه آن شخص قادر می‌گردد تا

عملی را با هدف و غرضی و به اندازه توانایی اش انجام دهد. (یوسفی راد، ۲۵) با استفاده از آیه ۸ سوره حج، چهار راه برای شناخت وجود دارد: ۱- راه حس (این راه برای همگان باز است)؛ ۲- راه عقل (خواص توان پیمودن آن را دارند)؛ ۳- راه تهذیب و تزکیه (این راه برای عارفان گشاده است)؛ ۴- راه کتاب منیر و راه وحی (این راه مختص انبیای الهی است). البته بین راه سوم و چهارم تفاوت جوهری وجود ندارد، جز آنکه راه چهارم با عصمت همراه است و از آسیب سهو، نیسان و خطا مصون است. (جوادی آملی، ۲۱۵—۲۱۶) خداوند در قرآن می‌فرمایند: «إِنَّا أُوحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أُوحَيْنَا إِلَى نُوحَ وَالْبَيْتَنَ مِنْ بَعْدِهِ»؛ (النساء، ۱۶۳) ما به تو وحی کردیم چنانکه به نوح و پیامبران پس از او نیز وحی نمودیم.

### ویژگی‌های مدیر متعالی با نگاه به سیره حضرت نوح (ع)

ذیلاً مؤلفه‌هایی از مدیریت متعالی با توجه به سیره حضرت نوح (ع) ذکر شده ذکر می‌شود:

#### ۱- تقوای الهی و مدیریت با تکیه‌بر خدا در مقابل مدیریت با تکیه‌بر کوه

زمانی که طوفان شروع شد، حضرت نوع به پرسش خطاب می‌کند که همراه او شود، او

در جواب می‌گوید:

«قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ حَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ»؛ (سوره هود، ۴۳) (پسر نوح) گفت: بهزودی به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند. (نوح) گفت: امروز جز (برای افراد مؤمن) و کسانی که مورد رحم قرار گرفته‌اند، هیچ حافظ (و پناهگاهی) در مقابل قهر الهی نیست. (در این هنگام) موجی میان آن دو جدایی انداخت و او (پسر نوح) غرق گردید.

یاد خدا در همه اقدامات حضرت نوح (ع) کاملاً باز است: در دعوت به توحید.

«اعْبُدُوا اللَّهَ» (المؤمنون، ۲۳)؛ در ساختن کشتی با الهام خداوند. «اَصْنَعْ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحْيِنَا» (المؤمنون، ۲۷)؛ در سوار شدن، با حمد الهی. «فَإِذَا اسْتَوَيْتَ ... فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ»

(المؤمنون، ۲۸) در حرکت با نام خدا. «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» (سوره هود، ۴۱) و در توقف، با دعا به درگاه او. «رَبِّ أَنْزَلَنِي» (المؤمنون، ۲۹). در دستگاه مدیریتی نوح (ع) ملاک برتری و فضیلت، ایمان و تقواست. آنجا که از نوح (ع) می‌خواهند طبقه بی‌بضاعت و گمنام را که طبعاً طبقه کشاورزان و کارگران بودند، از اطراف خود طرد نماید، چنان‌چه از آیه ۳۰ سوره مبارکه هود بر می‌آید او با قاطعیت تمام با این کار مخالفت می‌کند و یادآور می‌شود که اگر چنین نماید، از ستمگران خواهد بود.

## ۲- رفق و مدارا

حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال مردم را دعوت به توحید کرد، «أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (العنکبوت، ۱۴) آن‌ها نه تنها ایمان نیاوردن، بلکه از آن حضرت دوری کرده، «فَلَمْ يَزَدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (سوره نوح، ۶) و او را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند. به قدری می‌زندند که بی‌هوش بر زمین می‌افتداد؛ اما هنگامی که به هوش می‌آمد می‌گفت: «اللَّهُمَّ اهْدِ قومِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» خدایا! قوم مرا هدایت کن که آنان نا‌آگاهند. (طبرسی، ۶۶۸/۴)

## ۳- الفت و محبت و مدیریت برادرانه و دور از تبعیض

اخلاق و رفتار حضرت نوح (ع) با مردم زمان خود، برادرانه بوده است. «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخْوَهُمْ نُوحُ أَلَا تَتَّقُونَ \* إِنَّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ \* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ \* وَ مَا أُسْتَلِكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرٍ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء، ۱۰۶-۱۰۹)؛ زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟ همانا من برای شما پیامبری امین هستم. پس، از خداوند پروا کنید و اطاعتمن نمایید؛ و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست. اما این برادری تبعیض پذیر نبوده و بالعکس تبعیض‌های غلط اجتماعی را از بین می‌برد. «قَالُوا أَنَّهُمْ لَكَ وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ» (قرائتی، ۳۴۰/۶)

#### ۴- تحت تأثیر همسر و فرزند نبودن در مدیریت

این موضوع آنقدر مهم بوده که آیاتی از قرآن به آن تعلق گرفته است. آنگاه که قرآن نمونه‌هایی از انسان‌های خوب و بد را ارائه می‌دهد، پیوسته از آن نوع بارز، کمک می‌گیرد. وقتی که اسوه‌های تقوا و پاکی را مطرح می‌نماید، از همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران نام می‌برد. آنجا که از الگوهای فساد و خیانت سخن می‌گوید، نوع بارز آن را که همسران دو انسان صالح، نوح و لوط بوده‌اند، نشان می‌دهد در حالی‌که آنان، در کانون نور و پاکی زندگی می‌کردند، ولی ظلمت و تاریکی بر روح و روان آنان، حاکم بود و با اینکه با صالحان ارتباط ظاهری و جسمی داشتند، ولی این مجالست آنان را نجات نداد، چنان‌که می‌فرماید: «**ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرَاتٌ نُوحٌ وَ أَمْرَاتٌ لُّوطٌ كَانَتَا تَحْتَ عَيْدَنَ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِي عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قَيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّالِّينَ**» (التحریم، ۱۰)، خدا برای افراد کافر همسران نوح و لوط را نمونه آورده است، آنان در اختیار دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت ورزیدند و مصاحبیت با دو بنده صالح، آنان را از عذاب الهی نجات نداد و به آنان گفته شد با دوزخیان وارد آتش شوید. (سبحانی تبریزی، ۱۴۸)

#### ۵- سعه صدر و دفع بدی با خوبی

نمونه‌ی «بلد خبیث» که در آیه‌ی ۵۸ سوره اعراف مطرح است، قوم نوح(ع) بوده‌اند که هر چه حضرت فریاد زد، به جایی نرسید. داستان حضرت نوح (ع) در سوره‌های نوح، صافات، اسراء، احزاب، یونس، مؤمنون و قمر آمده است. دعوت حضرت نوح(ع) جهانی بود، چون قوم او همه‌ی مردم آن روز زمین بودند و حضرت در نفرین خود همه‌ی کافران روی زمین را نفرین کرد و همه‌ی جهانیان غرق شدند. حتی مخالفین نوح او را تهدید به شکنجه کردند: «لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ» (الشعراء، ۱۱۶) به نوح گفتند: تو از سنگسار شدگانی.

#### ۶- شکر الهی در اقدامات مدیریتی

حضرت نوح (ع) پس از نجات از قوم ظالم، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفت. (المؤمنون، ۲۸) در

روایتی از امام صادق(ص) ذیل آیه «ذُرِّيَّةٌ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (الاسراء، ۳) آمده: برای این آن حضرت را عبد شکور نامیدند که در صبح و شام این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينِ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ وَبَعْدَ الرِّضَا» (ابن بابویه، ۳۳۵/۱)

## اصول مدیریتی حضرت نوح (ع)

با مطالعه آیات مربوط به سیره حضرت نوح در قرآن می توان اصولی را به عنوان اصول مدیریتی در سیره آن حضرت استخراج کرد به شرح:

### ۱- تعیین هدف

اصل و پایه اساسی در مدیریت عبارت است از تعیین هدف نهایی و غایی به طوری که نتیجه نهایی به طور راهبردی مطرح می شود و بقیه عوامل از جمله مدیریت، جزء ابزار برای رسیدن به نتیجه نهایی منظور می شود. (مشبکی، ۱۴۳)

آن چنانکه از متون اسلامی می فهمیم هدف در مدیریت اسلامی عبارت است از رشد انسانها به طوری که انسانیت جایگاه ویژه خود را در جان انسانها و اجتماعات بیابد. (اسلامی، ۱۴) با نگاه به سیره حضرت نوح(ع) و با استناد به آیات قرآن که در ویژگی های مدیر ارائه شد داشتن هدف مشخص رشد و تعالی انسانیت از ابتدا تا انتهای مدیریت این پیامبر عظیم‌الشأن به وضوح روشن است.

### ۲- خدامحور بودن اقدامات مدیریتی

در سر لوحه کار و عمل همه‌ی انبیا «بِسْمِ اللَّهِ» قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح ع به یاران خود گفت: سوار شوید که «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرًا هَا وَ مُرْسَاهَا» یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. امام باقر (ع) فرمود:

حضرت آدم و سلیمان و نوح (ع) نیز دور همین کعبه، حج انجام داده‌اند. (بهرانی، ۳۰۰/۱) اساس ادیان توحیدی در طول تاریخ، یکی بوده است. حضرت نوح (ع) خود را مسلمان دانسته است: «أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (سوره یونس، ۷۲).

### ۳- اولویت‌بندی در مدیریت

با اینکه رسالت نوح (ع) جهانی بود، ابتدا از قوم خود شروع کرد. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمٍ فَقَالَ يَا قَوْمٍ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»؛ (الاعراف، ۵۹) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس به مردم گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او برای شما خدا و معبدی نیست. همانا من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم.

### ۴- عدم به کارگیری و عده غیرمعقول در مدیریت

«وَ لَا أُقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَرَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أُقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَ لَا أُقُولُ لِلَّذِينَ تَزَوَّدُونِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ»؛ (سوره هود، ۳۱) (نوح گفت): من به شما نمی‌گوییم که گنجینه‌های الهی نزد من است و نه (نمی‌گوییم که از پیش خود) غیب می‌دانم و نمی‌گوییم که من فرشته‌ام و نمی‌گوییم آن کسانی که در پیش چشم شما خوارند، خداوند هرگز به آنان خیری نخواهد رساند، (بلکه) خداوند به آنچه در دل آنهاست آگاه‌تر است. (اگر چیزی جز این بگوییم)، قطعاً از ستمکاران خواهم بود.

و یا حضرت نوح (ع) در پاسخ به کسانی که به وی اعتراض می‌کنند و می‌گویند کسانی که از تو تبعیت می‌کنند از طبقه ارذلون هستند پاسخ می‌دهد: «وَ يَا قَوْمٍ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدُنِمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»؛ (سوره هود، ۳۰) (نوح در جواب تقاضای طرد مؤمنان تهی دست و گمنام گفت): ای مردم! اگر من آنان را (از خود) برانم، چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد؟ چرا اندیشه نمی‌کنید؟

**۵- حاکمیت ضابطه نه رابطه در مدیریت و عدم شفاعت بی‌قید و شرط نزدیکان**

ضابطه نه رابطه، پیوندهای مکتبی، بر روابط خانوادگی حاکم است. زن و فرزند نوح، حق سوار شدن به کشتی را نداشتند. «هَنَىءِ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَ التَّوْرُ فَلَنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٌّ زَوْجِيْنِ اثْتَيْنِ وَ أَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَيْنِهِ الْقَوْلُ وَ مَنْ آمَنَ وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (سوره هود ۴۰ و نیز نک: قرائتی، ج ۴، ۵۹) با توجه به آیات قرآن، معلوم می‌شود که شفاعت بی‌قید و شرط نیست و شفاعت به اجازه و اذن خداست و شفاعت شونده، باید واجد شرایطی باشد و اگر کسی شرایط شفاعت را دارا نباشد، هر چند همسر پیامبر خدا باشد، مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد. چنانکه همسر نوح و لوط (ع) به علت فسق، مشمول شفاعت نشدند. «فَخَاتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاكِلِينَ» (التحریم، ۱۰)؛ و به آن‌ها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آن‌ها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید.

#### ۶- توجه به محیط زیست و سلامت موجودات در مدیریت

یکی دیگر از اصول مدیریتی که در ماجراهی حضرت نوح به چشم می‌خورد، توجه به محیط زیست است. خداوند می‌فرماید: «اَحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٌّ زَوْجِيْنِ اثْتَيْنِ» (سوره هود، ۴۰) این آیه بیانگر این است که نسل حیوانات و موجودات زنده باید حفظ شود. (قرائتی، ۵۹/۴)

#### ۷- نظارت و کنترل

تعاریف متعدد و گوناگونی از کنترل و نظارت شده است. «استی芬 رابینز» کنترل و نظارت را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرآیند تحت نظر قرار دادن فعالیت‌ها، به منظور حصول اطمینان از اینکه آن‌ها همان‌گونه که برنامه‌ریزی شده‌اند، انجام می‌شوند و اصلاح انحرافات قابل ملاحظه و مهم» (Stoner & Edward, 600)

مدیران هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که رویدادها بر طبق برنامه به وقوع خواهند

پیوست و حرکت همه عوامل دست‌آورده کار سازمان، به سمت اهداف تعیین شده می‌باشد؛ چرا که پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های عملیاتی سازمان همواره با درصدی از خطأ همراه است. به منظور مصون ماندن از خطأ یا کاهش میزان آن و اصلاح عملکرد ضروری است که از فرآیند کنترل و نظارت استفاده کنند. (الوانی و همکاران، ۲۶۷)

هر مدیریتی نیازمند کنترل و نظارت است. حضرت نوح (ع) که برای رسالت بزرگی برانگیخته شده بود و دستور العمل‌هایی از طرف خداوند به ایشان نازل شده بود برای رسیدن به مقصد خویش از نظارت و کنترل بهره می‌برد. خداوند می‌فرماید: «شَرَعَ لِكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّيْ بِهِ نُوحًا» (الشوری، ۱۳).

### اصول مدیریت حاکمیتی حضرت نوح (ع)

علاوه بر موارد ذکر شده می‌توان از اصول دیگری تحت عنوان اصول مدیریت حاکمیتی در سیره حضرت نوح یاد کرد به شرح:

۱- مبارزه نرم صبورانه، عالمانه و با زبان نرم در مقابل مخالفین

شروع به استهزا ناپسنداست، اما برای کیفر مسخره کننده و مقابله به مثل، استهزای او عین عدل است. در برابر استهزا دشمنان باید عکس العمل نشان داد. «وَيَصْنَعُ الْفُلُكَ وَ كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَّا مِنْ قَوْمٍ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخِرُوا مِنَّا فَإِنَا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (سوره هود، ۳۸؛ و نوح (به فرمان الهی) مشغول ساختن کشتی شد. (اما) هر زمان که اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند. (او) گفت: اگر شما ما را مسخره کنید، ما (نیز) قطعاً همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد.

کسی که در پی پدید آوردن نظام توحیدی و براندازی نظام شرک است، باید انتظار هرگونه تهمت و توهین را داشته باشد و مخالفان، در تهمت‌زدن سخت و جدی هستند. «قالَ الْمَلَّا مِنْ قَوْمٍ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الاعراف، ۶۰؛ سران قوم او گفتند: همانا ما تو را

در گمراهی آشکاری می‌بینیم. عکس العمل حضرت نوح به آن‌ها را در آیات بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد: «قَالَ يَا قَوْمَ لَيْسَ بِي ضَلَالٌ وَ لَكُنْتَ رَسُولًا مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الاعراف، ۶۱); (نوح) گفت: ای قوم من! در من هیچ گونه انحراف و گمراهی نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. «أَبْلَغْنُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّيِّ وَ أَنْصَحْ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و خیرخواه و دلسوز شمایم و از (جانب) خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید (الاعراف، ۶۲). کلمه‌ی «نصر»، به معنای خالص و بی‌غل و غش بودن است. به سخنانی که از روی خلوص نیت و خیرخواهی گفته شود. (مکارم شیرازی، ۲۲۱/۶) لذا مدیریت حضرت نوح (ع) هم خیرخواهانه و دلسوزانه است و هم برخوردار از علم و آگاهی کافی.

## ۲- استقامت در اقدام نرم علیه اقدام نرم مخالفین

مجموع گفتگوهای قوم نوح (ع) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱- اتهام‌ها؛ ۲- اعتراض‌ها کلیه تهمت‌های چهارگانه، که متوجه نوح ساخته‌اند، همگی حاکی از پیراستگی او از نقاط ضعف اجتماعی و اخلاقی است. اگر او نقطه ضعف اخلاقی و اجتماعی داشت، حتماً آن را به رخ او می‌کشیدند، اما برگ‌های زندگانی او، به قدری پاک بود که نتوانستند او را به این نوع از تهمت‌ها متهم سازند؛ ناچار شدند سراغ یک رشته اتهاماتی بروند که هیچ مصلحی در جهان از آن بی‌نصیب نیست؛ تهمت‌هایی که اثبات و نفی آن، هر دو، مشکل است. (سبحانی تبریزی، ۱۲۰)

**الف - اتهام‌ها:** نخستین پیامبر صاحب شریعت را به امور یاد شده در زیر، متهم نمودند:

۱- اتهام به جنون: «فَكَذَبُوا عَبْدَنَا وَ قَالُوا مَجْنُونٌ وَ ازْدُجَرٌ» (القمر، ۹)؛ بنده ما را تکذیب کردن و گفتند دیوانه است و آسیب دیده است. درجای دیگر آمده است: «إِنَّهُ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَصُوا بِهِ حَتَّى حِينَ» (المؤمنون، ۲۵)؛ اشراف قوم او گفتند: او مردی دیوانه است صیر کنید تا عمرش سر آید. ۲- اتهام به دروغگویی: «بِلْ نَظَنْنُكُمْ كاذِبِينَ» (هود، ۲۷)؛ بلکه

شماها را دروغگویان می‌پنداشیم. اما چرا و به چه دلیل؟ چیزی در کنار آن ذکر نمی‌کردند.

۳- اتهام به گمراهی: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الاعراف، ۶۰)؛ اشراف قوم او گفتند ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم. ۴- تهمت برتری طلبی: «وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ» (هود، ۲۷)؛ و ما برای شما برتری نمی‌بینیم. و نیز می‌گفتد: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ... يُرِيدُ أَنْ يَتَفَعَّلَ عَلَيْكُمْ» (المؤمنون، ۲۴)؛ اشراف کافر قوم او گفتند: نوح می‌خواهد بر شما برتری بجوید.

نوح (ع) در رد تهمت‌ها پاسخ جامعی گفته است. و اما عکس العمل ایشان این چنین بوده که: «قَالَ يَا قَوْمِ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّيْ وَ آتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَّتْ عَلَيْكُمْ أَ نُلْزِمُكُمُّهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود، ۲۸)؛ (نوح به قوم خود) گفت: آیا اگر ببینید که من بر دلیل روشنی از طرف پروردگارم باشم و او از نزد خودش، رحمت (ویژه‌ی نبوت) را به من داده باشد که بر شما مخفی مانده است، (آیا باز هم سریچی می‌کنید؟) آیا شما را به پذیرش آن وادر کنیم، در حالی که نسبت به آن کراحت دارید؟

### ۳- عدم سستی مدیر با وجود تعداد کم حامیان

خداآوند می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَتَجَيَّنُاهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفُلُكِ وَ جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَ أَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ» (يونس، ۱۳)؛ پس او (نوح) را تکذیب کردند، آنگاه ما او و کسانی که در کشتی همراه او بودند را نجات دادیم و آنان را جانشین (در زمین) قرار دادیم و همه‌ی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق ساختیم. پس بنگر که پایان کار هشدار داده شدگان چگونه بود! یاران نوح هشتاد نفر بودند و کافران بسیار، اما به امداد الهی، کافران نابود و مؤمنان وارث زمین گشتند. (طبرسی، ۱۸۷/۵)

### ۴- مذاکره قهرمانانه نوح با دشمنان با هدف ارشاد نه دفع شر

جدال نیکو که سیره‌ی انبیاست و نوعی گفتگو و تلاش برای ارشاد مردم است. چنان‌که

کفار به حضرت نوح (ع) می‌گفتند: تو برای ارشاد ما بسیار جدل و تلاش می‌کنی. «**يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْنَا فَأَكَثَرْتَ جِدَالَنَا**» (هود، ۳۲)

##### ۵- عدم طرد خودی‌های فقیر به بهانه دفع شر بیگانگان غنی

خداآوند می‌فرماید: «وَ يَا قَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود، ۲۹؛ نوح ادامه داد که ای قوم من! از شما در برابر این دعوت، اجرتی درخواست نمی‌کنم، پاداش من تنها بر خداست و من کسانی را که ایمان آورده‌اند (به خاطر خواست نابجای شما) طرد نمی‌کنم، (چرا که) آنان پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد (و از من شکایت خواهند نمود)، ولی من شما را قوم جاهلی می‌بینم.

نوح (ع) در پاسخ به اینکه پیروان او را افراد تهی‌دست و بی‌نام و نشان، تشکیل می‌دهند؛ این گونه پاسخ می‌دهد که: ۱- من پیامبر مال و شروت نیستم که ثروتمندان را بپذیرم و تهی‌دستان را طرد کنم. من پیامبر الهی هستم و برای هدایت همه طبقات آمده‌ام، به همین دلیل از شما اجر و پاداش نمی‌طلبم، از این رو درخواست شما، نشانه جهلتان به اهداف رسالت است. قرآن به این پاسخ چنین اشاره می‌کند: «وَيَا قَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ». (همانجا) ای قوم! من در برابر دعوت خود مالی از شما نمی‌خواهم، پاداش من بر خداست. من افراد با ایمان را طرد نمی‌کنم. آنان با پروردگار خود ملاقات می‌کنند (پاداش اعمال خود را دریافت می‌نمایند) من شما را قومی نادان می‌بینم. ۲- در مکتب الهی ارزش انسان به ایمان اوست. کسانی را که شما با دیده حقارت به آن‌ها می‌نگرید، به دلیل ایمانشان در نزد خدا، مقام و پاداش دارند و خدا از باطن آن‌ها آگاه است. قرآن به این پاسخ چنین اشاره دارد: «وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزَدَّرُى أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتَيْهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنَّى إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» (هود، ۳۱؛ من درباره کسانی که شما به دیده حقارت به

آنان می‌نگرید، نمی‌گوییم خدا به آنان خیر و پاداش نخواهد داد. خدا از درون آنان آگاه است. اگر با آنان چنین رفتار کنم از ستمکاران خواهم بود. ۳- اگر این گروه در گذشته — پیش از ایمان به من — از نظر شما کارهای ناروایی انجام داده باشند، سبب نمی‌شود اکنون که در جرگه مؤمنان قرار دارند، آنان را طرد نمایم.

#### ۶- اقدام سخت علیه دشمن آخرين گزینه است

مبازه نرم اولویت نوح (ع) بوده و مقابله سخت به خواست دشمن آغاز شده است. درواقع پایان دادن به مذاکرات و روی آوردن به اقدام سخت توسط دشمن انجام گرفته است. «قالوا يا نوح قدْ جادَّتُنَا فَأَكْثَرْتَ جَدَّانَا فَأَتَنَا بِمَا تَعِدُّنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (هود، ۳۲؛ مخالفان) گفته: ای نوح! تو واقعاً با ما جدال و جر و بحث زیادی نمودی، (اکنون دیگر بس است) اگر راست می‌گویی، آنچه را (از عذاب الهی) که به ما و عده می‌دهی بر سر ما بیاور؟! نفرین حضرت نوح (ع) به دنبال اعلام آمادگی کافران برای هلاک شدن بود «فَأَتَنَا بِمَا تَعِدُّنَا». کفار چون منطق ندارند و حرف منطقی را نیز نمی‌پذیرند، پیشنهاد کفايت مذاکرات می‌دهند.

«وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (هود، ۳۶؛ او از جانب ما) به نوح وحی گردید که جز (همان) کسانی که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، (افراد دیگر) از قوم تو هرگز ایمان نمی‌آورند، پس از کارهایی که می‌کنند غمگین مباش. از این آیه استفاده می‌شود که نفرین حضرت نوح (ع) درباره‌ی قومش که فرمود: «رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح، ۲۷؛ پرودگار! احدي از کفار را بر زمین باقی مگذار، بر اساس اطلاعی بود که خداوند طبق این آیه مبارکه به او داده بود. (قرائتی، ۵۴/۴)

#### ۷- مدیریت نوح در صنعت کشتی‌سازی و آمادگی برای اقدام سخت از ۸۰ سال قبل

امام صادق (ع) فرمود: حضرت نوح (ع) کشتی خود را در مدت هشتاد سال ساخت؛ و محل ساخت کشتی، مسجد کوفه و طول کشتی حدود ۴۰۰ متر و عرض آن حدود ۴۰ متر بوده است. (بحرانی، ۱۰۲/۳) از آیه «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأْ مِنْ قَوْمِهِ سَخِروا

مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخِرُوا مِنَا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (هود، ۳۸) و آیات دیگر قرآن برداشت می شود: ۱- کارگاه کشتی سازی حضرت نوح، در محل عبور و مرور مردم بود. «مَرَ عَلَيْهِ»؛ ۲- به خاطر فشار و حرف مردم، از اصلاحات و زمینه سازی برای آیندگان غفلت نشد. وَ يَصْنُعُ الْفُلْكَ ... سَخِرُوا مِنْهُ؛ ۳- پیروان نوح(ع)، حضرت را در ساختن کشتی کمک می کردند. «إِنْ تَسْخِرُوا مِنَا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ»؛ ۴- عبور از امواجی همچون کوه، نشانه‌ی وسعت و بزرگی کشتی نوح و هنر و تخصص پیامبر خدا نوح است.

«وَ هِيَ تَعْجِرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادِي نُوحُ أَبْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنْيَى أَرْكَبْ مَعْنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود، ۴۲)؛ و آن (کشتی)، آن‌ها را از لابلای امواجی همچون کوه پیش می‌برد.

#### ۸- اقدام سخت مدیریتی نوح (ع) در پرتو اذن پروردگار

«فَكَذَبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ أَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» (الاعراف، ۶۴)؛ سرانجام او (نوح) را تکذیب کردند. پس او و کسانی را که در کشتی با او بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. زیرا آنان گروهی کوردل بودند.

#### ۹- رعایت کودکان در اقدامات سخت

امام رضا(ع) در پاسخ این سؤال که چرا خداوند تمام جهانیان را در زمان حضرت نوح(ع) غرق کرد و حال آنکه در میان آنان اطفال و افراد بی‌گناه نیز بودند، فرمودند: «طفلی در میان آنان نبود، زیرا مدت چهل سال آنان عقیم و نازا شده بودند و بی‌گناهان نیز چون به کار دیگران راضی بودند و رضایت به کار دیگران مانند انجام همان کار است». (ابن‌بابویه، توحید، ۳۹۲)

#### ۱۰- تدبیر و آینده‌اندیشی مدیریت نوح برای بعد از مقابله سخت

بنابر آنچه در تاریخ آمده است، همه مردم و نسل بشر کنونی از فرزندان نوح(ع) است. «سام» که یکی از فرزندان اوست، پدر نژاد عرب و عجم است، «یافت» که یکی دیگر از فرزندان اوست، پدر ترک و خزر به شمار می‌رود و «حام» فرزند سوم او، پدر سودان

(سیاه‌پوستان) است. در هر حال، مؤمنان به نوح که از کشتی فرود آمدند، یا فرزندی پیدا نکردند، یا فرزندان آنان باقی نماندند. (سبحانی تبریزی، ۱۴۴) این نحوه توزیع نسل آینده از اقدامات آینده‌گرایانه حضرت نوح(ع) بود.

## تحلیل داده‌ها

جدول ۱: تحلیل داده‌ها به روش داده بنیاد

کد انتخابی (مضمون)	کد محوری (مفهوم)	کد آزاد (مفاهیم)	گزاره‌ها
۱. رویکرد الهی و تقوا به جای روبکرد مادی در مدیریت	توکل بر خدا در مقابل مدیریت با تکیه بر کوه از ویژگی‌های نوح(ع) است	پناه بردن فرزند نوح(ع) به کوه و در مقابل آن پناه بردن نوح(ع) به خداوند متعال	<p>قالَ سَأَوَى إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْماءِ قالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحْمَ وَ حَالَ بِنَهْمَةِ السُّوْجِ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (هود، ۴۳)</p> <p>وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ بَنَأْ نُوحٌ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمُ إِنْ كَانَ كَبِيرٌ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذَكِّرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَاجْمِعُوا أُمُرَّكُمْ وَ شُرُكَاءِكُمْ تُمَّ لَا يَكُنْ أُمُرُّكُمْ عَلَيْكُمْ ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تُتُظْرُونَ (یونس، ۷۱)</p>
۲. رفق و مدارا ویژگی مدیر	صبر و خیرخواهی از ارکان مدیریتی نوح(ع) است	صبر ۹۵۰ ساله حضرت نوح(ع) بر سرکشی مردم و دعا کردن برای آن‌ها تا آخرین لحظه	<p>حضرت نوح(ع) ۹۵۰ سال مردم را دعوت به توحید کرد، «الْفَ سَنَةُ إِلَى خَمْسِينَ عَامًا» آن‌ها نه تنها ایمان نیاورندند، بلکه از آن حضرت دوری کردنند.</p> <p>حضرت نوح را به قدری می‌زندد که بیهوش بر زمین می‌افتد؛ اما هنگامی که به هوش می‌آمد می‌گفت: «اللَّهُمَّ اهْرِ قومی فانهم لا یعلمون» خدایا! قوم مرا هدایت کن که آنان ناآگاهند.</p>
۳. سعه صدر و دفع بدی با خوبی			

۴.الفت و محبت و مدیریت برادرانه و دور از تبیض	اخلاق و رفتار حضرت نوح(ع) با مردم زمان خود، برادرانه بوده است.	اخلاق و رفتار برادرانه حضرت نوح(ع) با مردم زمان خود و در عین حال عدم تبعیض	<p>إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخْوَهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛ زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟... (الشعراء، ۱۰۶)</p> <p>بِهِ اسْتِنَادٍ آیه «قَالُوا أَنَّوْمِنْ لَكَ وَ اتَّبَعُكَ الْأَرْذُلُونَ» تَبَعِيتَ أَرْذُلُونَ از نوح(ع) مورد اعتراض قرار گرفته است (الشعراء، ۱۱۱)</p>	۵
۵.تحت تأثیر همسر و فرزند نبودن در مدیریت	مورد شفاعت قرار نگرفتن همسر پیامبر آن قدر مهم بوده که آیاتی از قرآن به آن تعلق گرفته است.	از عذاب الهی نجات نیافتن	<p>ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَ امْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَاتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قَيلَ اذْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ؛ خدا برای افراد کافر همسران نوح و لوط را نمونه آورده است، آنان در</p>	۶
۶.ضابطه نه رابطه	پیوندهای مکتبی، باید بر روایت خانوادگی حاکم باشد.	خیانت کاران حتی اگر همسر و فرزند پیامبر باشند	<p>اختیار دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت ورزیدند ومصاحبت با دو بنده صالح، آنان را از عذاب الهی نجات نداد و به آنان گفته شد با دوزخیان وارد آتش شوید.</p>	۷
۷.توجه به محیط زیست در مدیریت	نسل حیوانات وموجودات زنده باید حفظ شود.	آوردن جفت هایی از موجودات زنده در کشتی	<p>زن و فرزند نوح، حق سوار شدن به کشتی را نداشتند.</p>	۸
			<p>«اَحْمِلُ فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْجَيْنِ اُثْنَيْنِ» (هود، ۴۰)</p>	۹

۸. مدیریت متعالی، مدیریت بدون بن بست	مدیران خدامحور، به بن بست نمی‌رسند و هنگامی که کار بر آنان سخت شود با دعا و استمداد از قدرت غنی خداوند مشکل خود را حل می‌کنند.	درخواست نوح از خداوند و پاسخ اطمینان بخش باریتعالی	«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعِمُ الْمُجِيَّبُونَ» (الصفات، ۷۵)	۱۰
۹. مبارزه نرم صبورانه، عالمانه و با زبان لین در مقابل مخالفین	کسی که در پی پدید آوردن نظام توحیدی و براندازی نظام شرک است، باید انتظار هرگونه تهمت و توهین را داشته باشد	پاسخ نرم حضرت نوح(ع) به حمله نرم دشمنان	<p>وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَ عَلَيْهِ مَلَأْ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ؛ وَ نوح (به فرمان الهی) مشغول ساختن کشتی شد. (امّا) هر زمان که اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند.</p> <p>(او) گفت: اگر شما ما را مسخره کنید، ما (نیز) قطعاً همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد. (هود، ۳۸)</p>	۱۱

			<p><b>۱۳</b></p> <p>اُبَلَّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و خیرخواه و دلسوز شمایم و از (جانب) خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (الاعراف، ۶۲)</p>
۱۰. مذاکره	فهرمانانه با دشمنان با هدف ارشاد نه دفع شر	جادال نیکو سیره‌ی حضرت توح(ع)	خستگی دشمن از جadal احسن نوح(ع) با آن‌ها
۱۱. اقدام	سخت گزینه ای برای مقابله با اقدام سخت دشمن	پایان دادن به مذاکرات و روی آوردن به اقدام سخت توسط دشمن	خارج شدن مخالفان نوح از جرگه مذاکره و درخواست اقدام سخت

## نتایج مقاله

علی‌رغم اینکه این تصور وجود دارد که حضرت نوح(ع) اقدام مدیریتی انجام نداده لیکن با غور و تعمیق در آیات قرآن کریم نه تنها می‌توان سیره مدیریتی حضرت نوح(ع) را استخراج نمود بلکه به قدری جامعیت دارد که می‌توان این مدیریت به عنوان الگو بیان کرد.

طبق گزاره‌های شماره ۱ تا ۶ و با مصاحبه باز با خبرگان، چهار مضمون به دست آمد که این چهار مضمون، ویژگی‌های حضرت نوح(ع) را به عنوان یک مدیر نشان می‌دهد. این گزاره‌ها قضیه ذیل را ایجاد نمود:

قضیه اول: رویکرد الهی و تقوا به جای رویکرد مادی در مدیریت؛ رفق و مدارا؛ سعه صدر و دفع بدی با خوبی؛ و الفت و محبت و مدیریت برادرانه و دور از تبعیض از

ویژگی‌های مهم مدیریتی حضرت نوح (ع) بوده است.

طبق گزاره‌های شماره ۷ تا ۱۰ و با مصاحبه باز با خبرگان، چهار مضمون به دست آمد که این چهار مضمون، اصول مدیریتی حضرت نوح(ع) را نشان می‌دهد. این گزاره‌ها قضیه ذیل را ایجاد نمود:

قضیه دوم: تحت تأثیر همسر و فرزند نبودن در مدیریت؛ ضابطه نه رابطه؛ توجه به محیط زیست در مدیریت و مدیریت متعالی؛ و مدیریت بدون بنبست، اصول مهم مدیریتی حضرت نوح(ع) بوده است.

طبق گزاره‌های شماره ۱۱ تا ۱۴ و با مصاحبه باز با خبرگان، سه مضمون به دست آمد که این سه مضمون، اصول مدیریت حاکمیتی حضرت نوح(ع) را نشان می‌دهد. این گزاره‌ها قضیه ذیل را ایجاد نمود:

قضیه سوم: مبارزه نرم صبورانه، عالمانه و با زبان لین در مقابل مخالفین؛ مذاکره قهرمانانه با دشمنان با هدف ارشاد نه دفع شر؛ و اقدام سخت گزینه‌ای برای مقابله با اقدام سخت دشمن اصول مهم مدیریت حاکمیتی حضرت نوح(ع) بوده است.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.
۳. همو، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۴. همو، أمالی شیخ صدوق، ترجمه: محمدباقر کمره ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۶.
۵. اسلامی، احمد، مدیریت اسلامی، اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۶۶.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، قم: مؤسسه البعله، ۱۳۷۳.
۷. بلاذری، احمدبن یحیی، انساب الأشراف، ج ۱، لبنان: بیروت، ۱۳۷۵.
۸. جوادی آملی، عبدالله، معرفت شناسی در قرآن، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۶.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، منشور جاوید: نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی، جلد ۱۱ و ۱۲، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۳.
۱۰. شمس الدین، محمدمهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه: سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. طرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۲. قائمی نیا، علیرضا، بیولوزی نص، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی شهریور، ۱۳۹۳.
۱۳. فرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد ۱ تا ۱۰، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۴. مشبکی، اصغر، مطالعه تطبیقی اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات نگرشی بر مدیریت در اسلام، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.
۱۵. مقیمی، سیدمحمد، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات راه دانش، ۱۳۹۴.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۷. الوانی سیدمهدی، پیروز، خدمتی، شفیعی و بهشتی نژاد، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۸. یوسفی راد، مرتضی، اندیشه سیاسی قطب‌الدین شیرازی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
19. Stoner, James & Edward, Freeman, Management, London: Prentic-Hall, 1992.



